

نقد و بررسی کتاب:

Theories in Social Psychology

مورتون، دش و رابرت، ام. کراس

علیرضا محسنی تبریزی

استادیار دانشکده علوم اجتماعی

دانشگاه تهران

مقدمه

زمانی که مورتون دش^۱ و رابرت ام کراس^۲ کتاب نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی^۳ را منتشر کردند، کاملترین و جامعترین مجموعه نظری که تا آن زمان در حوزه روان‌شناسی اجتماعی منتشر شده بود، در اختیار دانشجویان و علاقمندان این رشته قرار گرفت. دش که از همکاران نزدیک کورت لوین^۴ در مرکز تحقیقات پویایی گروه MIT و دانشگاه میشیگان به شمار می‌رفت، در دهه‌های پنجاه و شصت، به همراه گروهی از روان‌شناسان اجتماعی پر آوازه‌ای چون راجر بارکر^۵، الکس باولاس^۶، دوروین کارت رایت^۷، لئون فستینگر^۸، جان فرنچ^۹، رونالد لپیپت^{۱۰}، رالف وایت^{۱۱}، استانلی اسکاچر^{۱۲}، هارولد کلی^{۱۳} و جان تیپوت^{۱۴} در زمینه‌های مختلف روان‌شناسی اجتماعی، به ویژه در گروه‌های کوچک، پژوهشهایی کردند. از مهمترین آثار «دش» که به همت خود او یا با معاونت «کراس»، «جونس»، «روزنوو»، «جرارد» و دیگران منتشر شده است به آثار زیر می‌توان اشاره کرد:

1- M.Deusch

2- R.M.Krauss

3- K.Lewin

4- R.Barker

5- A.Bavelas

6- D.Cartwright

7- L.Festinger

8- J.French

9- R.Lippitt

10- R.White

11- S.Schachter

12- H.Kelley

13- J.Thibaut

- Deutsch, Morton, A Theory of Co-operation and Competition. Human Relations, 2, 124-152, 1949
- Deutsch, M., An Experimental Study of the Effects of Co-operation and Competition upon Group Process. Human Relations, 2, 199-232, 1949
- Deutsch M./Trust and Suspicion. Journal of Conflict Resolution, 2, 265-274, 1958
- Deutsch, M., The Face of Bargaining, Operations Research, 9, 886-897, 1961
- Deutsch, M., Cooperation and Trust: Some Theoretical Notes. In M.R. Jones, ed., Nebraska Symposium on Motivation, 1962, Lincoln: University of Nebraska Press. pp. 275-318
- Deutsch, M., and H.B. Gerard, A Study of Normative and Informational Social Influences Upon Individual Judgment. Journal of Abnormal and Social Psychology, 51, 629-636, 1955
- Deutsch, M., and R.M. Krauss and Norah Rosenau. Dissonance or Defensiveness? Journal of Personality, 30, 16-24, 1962

با پیدایی و رشد شتابان روان‌شناسی اجتماعی در نیمه اول قرن حاضر، به ویژه با توسعه این علم جوان در ایالات متحده آمریکا مبانی نظری و روشهای تحقیقاتی روان‌شناسی اجتماعی، هم از جهت کیفی و هم از جهت کمی متحول شد. با مقبولیت و رواج این رشته علمی و ظهور اندیشمندان پر آوازه‌ای چون جرج هربرت مید، کولی، فروید، لوین، راس، مک دوگال، آپورت، مود، مورفی، تربلت، اسکینر و دیگران دیدگاه‌ها و مکتبهای نظری مختلفی مطرح گردید به نحوی که امروزه صاحب‌نظرانی چون جیمز شولنبرگ^۱ (۱۹۹۲) روان‌شناسی اجتماعی را علمی چند حوزه‌ای^۱ به شمار آورده‌اند (شولنبرگ ۱۹۹۲، ص ۴).

به سبب تحول در این علم، دامنه تحقیقات نیز وسیعتر شد و حوزه‌های بیشتری مورد تفحص قرار گرفت. پیش از آنکه دش و کراس مهمترین آثار نظری روان‌شناسی اجتماعی را

گردآوری و در مجموعه‌ای عرضه نمایند، نظریه و دیدگاه‌های مختلفی به تدریج در این رشته به وجود آمده و به صورت آثار مکتوب عرضه شده بود. از مهمترین این آثار می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

- Kohler, W. Gestalt Psychology, 1929
- Koffka, K. Principles of Gestalt Psychology, 1934
- Mead, G.H. Mina, Self and Society, 1935
- Krech, D. and Crutchfield R.s., Theory and problems of Social Psychology, 1948
- Lewin, K. Field Theory in Social Science, 1951
- Metron, R. Social Theory and Social Structure, 1957
- Hall C.S. and Gardner Lindzey, Theories of Personality, 1957
- Homans, G. Social Behavior As Exchange, 1958
- Bem, Daryl Self Perception Theory, 1962
- Festinger, L. A Theory of Cognitive Dissonance, 1962
- Thompson, Clara Psychoanalysis: Evolution and Development, 1962
- Skinner, B.F. About Behaviorism, 1964

کتاب نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی نخستین کوشش منظم و مؤثر در گردآوری، تنظیم و تدوین مباحث نظری کلی در روان‌شناسی اجتماعی است. این کتاب به زبان انگلیسی و در هفت فصل تدوین و تاکنون به زبانهای مختلف برگردانده شده است!

در فصل اول کتاب، دش و کراس ضمن اشاره مختصر به موضوع مورد مطالعه روان‌شناسی اجتماعی، رویکردهای نظری کلی در این حوزه را تعیین می‌کنند و به تبیین ماهیت نظریه علمی می‌پردازند و طبیعت نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی را با رجوع به خصوصیات نظریه علمی توضیح می‌دهند. تعریف دش و کراس از روان‌شناسی اجتماعی مبتنی است بر تعریف گوردون

۱-استاد گرامی آقای دکتر مرتضی کبی این اثر را از ترجمه فرانسوی سال ۱۹۹۲ آن به فارسی برگردانده و انتشارات دانشگاه

آپورت (۱۹۵۴) که "روانشناسی اجتماعی به مطالعه روابط واقعی، خیالی یا بالقوه میان افراد و تأثیر این روابط بر آنها در فضای اجتماعی معینی می‌پردازد". در این مقاله در خصوص فقر و محدودیتهای این تعریف، با توجه به تنوع و تعدد موضوعات مطالعاتی روانشناسی اجتماعی امروز، سخن خواهیم گفت.

در این فصل همچنین مؤلفان با تکیه بر برداشتهای خاص اندیشه مندان روانشناس اجتماعی از جوهر و طبیعت آدمی، کوشیده‌اند جهت‌گیریهای نظری کلی در روانشناسی اجتماعی معاصر را تحت چهار جهت‌گیری نظری اصلی یعنی روانشناسی گشتالت، روانکاوی، تقویت و یادگیری و نقش تعیین کنند.

کاستیها و محدودیتهای ملاکهای آنان در طبقه‌بندی حوزه‌ها و مکاتب نظری روانشناسی اجتماعی، توضیح داده خواهد شد. سرانجام در همین فصل مؤلفان ضمن اشاره به ماهیت نظریه علمی و عناصر تشکیل دهنده آن، توضیح داده‌اند که در روانشناسی اجتماعی نظریه‌ها بر قاعده کلی الگوریتم‌ها استوار نیستند. آنها غالباً نوعی سیستم قیاسی را به خدمت می‌گیرند که مبتنی بر نحو زبان محاوره‌ای روزمره است. از این رو استنتاجهای آنان اغلب مبهم و بری از منطق محض است. اکثر نظریه‌های روانشناسی اجتماعی همچنان‌که دش و کراس مدعی‌اند، با چشم‌پوشی از نظم مقرر در نظام قیاسی، مراحل علمی لازم را نپیموده‌اند و اغلب به استنتاجهای غیر مبرهن، مفروضات نامشخص و تعلقات ضمیری مبتنی بر قوه استنباط فردی^۱ متکی‌اند.

در فصل دوم کتاب رهیافت نظری روانشناسی گشتالت با تأکید بر اصول اصلی نظریه گشتالت، خصوصیات یک سازمان ادراکی خوب، جهت‌گیری سولومون اش^۲ و فریتز هایدرا^۳ در روانشناسی اجتماعی تشریح شده است.

فصل سوم به تبیین نظریه میدانی^۴ و آرای کورت لوین^۵ و لئون فستینگر^۶ می‌پردازد.

در فصل چهارم نظریه‌های تقویت و یادگیری با تکیه بر مفاهیم اساسی رفتارگرایی میلر^۷

1- Intuition

2- S.Asch

3- F.Heider

4- Field theory

5- K.Lewin

6- L.Festinger

7- Miller

دالارد^۱، باندورا^۲، والترز^۳، اسکینر^۴، هومنس^۵، تیبو^۶ و هارولد کلی^۷ تشریح شده است. اصول نظریه روانکاوی با تأکید بر آرای زیگموند فروید^۸ در فصل پنجم کتاب تبیین می‌شود.

فصل ششم ضمن تشریح مفاهیم اصلی نظریه نقش به بیان دیدگاههای جرج هربرت مید، نظریه گروههای مرجع و بی‌هنجاری رابرت مرتن و نظریه نقش اروینگ گافمن^۹ می‌پردازد. سرانجام در فصل هفتم کتاب دش و کراس ضمن اشاره به گرایش‌های کنونی در روان‌شناسی اجتماعی، نتیجه می‌گیرند که روان‌شناسی اجتماعی بیش از پیش جنبه علم عملی و تجربی یافته و به مدد شیوه‌ها و فنون عینی و تکنیکهای کمی به ویژه روشهای تجربی - آزمایشگاهی^{۱۰} توانسته دامنه تحقیقات خود را وسیعتر ساخته و حوزه‌های بیشتری را مورد تجسس قرار دهد. توضیح خواهیم داد که گرایشهای کنونی در روان‌شناسی اجتماعی فراتر از مواردی است که دش و کراس در سه دهه پیش بدانها اشاره کرده‌اند.

نقد و بررسی :

با آنکه بیش از سه دهه از انتشار اثر دش و کراس می‌گذرد، نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی هنوز به عنوان اثری وزین و منبعی مهم مورد استفاده دانشجویان و دانش پژوهان در روان‌شناسی اجتماعی و علوم رفتاری است. علی‌رغم برخی کاستیها و محدودیتها، به ویژه در مبحث تعریف، نحوه برداشت، ملاکهای انتخاب نظریه‌ها و تحلیل و نقد و بررسی و نظایر آن، اثر ارائه شد، از حیث سازمانی، نحوه ورود به موضوع، تسلسل منطقی مطالب و موضوعات، فصاحت و بلاغت و شیوایی زبان، کاری مقبول و ارزشمند است. با این همه به نظر می‌رسد در چند زمینه کار دش و کراس در خور نقد و بررسی است که از آن جمله است:

۱- تعریف روان‌شناسی اجتماعی

- | | |
|--------------|------------------|
| 1- Dollard | 2- Bandura |
| 3- Walters | 4- Skinner |
| 5- Homans | 6- Thibaut |
| 7- Kelley | 8- S.Freud |
| 9- E.Goffman | 10- Experimental |

۲- ملاک انتخاب نظریه‌ها

۳- محدودیتهای مربوط به تحلیل نظریه

۴- محدودیتهای مربوط به نقد و بررسی نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی

۵- محدودیتهای مربوط به تحلیل گرایشهای کنونی در روان‌شناسی اجتماعی

بدیهی است که محدودیتهای ذکر شده در کار دش و کراس نه ناشی از عجز آنان، بلکه به جوان بودن و عدم بلاغت این علم، متنوع نشدن موضوعات و مباحث آن و عدم تفکیک حوزه‌های نظری بر اساس موضوعات مطالعاتی روان‌شناسی اجتماعی به ویژه در سه دهه پیشین، زمانی که کتاب نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی منتشر شد، مربوط می‌شود.

۱- تعریف روان‌شناسی اجتماعی

علی‌رغم ارائه نظریه‌ها و دیدگاههای متنوع و در عین حال متباین در روان‌شناسی اجتماعی، تعریفی که دش و کراس از روان‌شناسی اجتماعی ارائه کرده‌اند، محدود و یک بعدی است. تعریف آنان از این علم مبتنی است بر تعریف گوردون آپورت (۱۹۵۴) که، "روان‌شناسی اجتماعی به مطالعه روابط واقعی، خیالی یا بالقوه میان افراد و تأثیر این روابط بر آنها در فضای اجتماعی معینی می‌پردازند". بدیهی است که تعریف مذکور با توجه به تنوع و تعدد دیدگاهها و مکتب‌های نظری مختلف در روان‌شناسی اجتماعی امروز و گونه‌گونی موضوعات مطالعاتی^۱ هریک از این مکتب‌ها تعریفی مقبول، فراگیر و جامع نیست. با این توضیح که بسیاری از نظریه‌های کنونی در روان‌شناسی اجتماعی معاصر، در حوزه‌ها و مکتبهای جامعه‌شناسی وضع شده و بسط یافته‌اند و برخی نیز به حوزه‌های نظری در روان‌شناسی فردی تعلق دارند. برای مثال نظریه‌هایی نظیر نظریه خودکشی دورکهایم، انحراف مرتن، گروههای مرجع مرتن، نقش و شخصیت مید، کنش پارسنز، بیگانگی مارکس، ایفای نقش گافمن و نظایر آن را جامعه‌شناسانی با گرایشهای روان‌شناسی اجتماعی وضع کرده‌اند. در مقابل نظریه حوزه لویین، روانکاوی فروید، رفتار اسکینر و مانند آن در مکتبهای روان‌شناسی و توسط روان‌شناسانی با گرایشهای روان‌شناسی اجتماعی به وجود آمده‌اند. هریک از این مکتبها، چه در حوزه‌های جامعه‌شناسی و چه در حوزه‌های روان‌شناسی، استنباطهای متفاوتی از طبیعت آدمی و سرشت انسان، موضوع

مطالعاتی جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی همراه با متدلوژی خاص خود، دارند. مثلاً برای جامعه‌شناسان واقعیت‌گرا^۱ جایی که جامعه‌شناسی به مطالعه واقعیت‌های اجتماعی (نهادهای، سازمانها، و ساختارهای اجتماعی) و روابط میان آنها می‌پردازد (ریترز ۱۹۸۸)، روان‌شناسی اجتماعی تأثیر واقعیت‌های اجتماعی را بر آدمی (رفتار، شعور و شخصیت انسان) مطالعه می‌کند (شولنبرگ ۱۹۹۲). یا برای جرج هربرت مید که وابسته به مکتب کنش متقابل نمادی^۲ است و به قول ریترز و نیسبت برای موضوع مطالعاتی جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی تمیز قائل نمی‌شود، روان‌شناسی اجتماعی به مطالعه نحوه شکل رفتار آدمی در متن اجتماعی و به صورت جریان‌ی ذهنی-کیفی می‌پردازد. یا برای لوین روان‌شناسی اجتماعی علم تبیین طبیعت و ماهیت میدان روانی-اجتماعی و ربط طبیعت رفتار آدمی به ماهیت نیروهای داخل میدان است (شولنبرگ ۱۹۹۲). فروید نیز تلویحاً آن را علمی می‌داند که در جستجوی علل و اسباب رفتار اجتماعی در نیروهای احساسی درونی فرد است (دش و کراس ۱۹۶۵).

از این رو تعریف ارائه شده در کتاب دش و کراس تعریفی معرّف برای همه مشربها و مکتب‌های نظری روان‌شناسی اجتماعی نیست.

۲- ملاک‌های انتخاب نظریه‌ها

یکی از بارزترین محدودیتها و کاستیهای کتاب دش و کراس عدم کفایت و نقص ملاک‌های به کار برده شده در انتخاب نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی است. نویسندگان کتاب با تکیه بر برداشتهای خاص صاحب‌نظران روان‌شناسی اجتماعی از جوهر و طبیعت آدمی کوشیده‌اند جهت‌گیریهای نظری کلی در روان‌شناسی اجتماعی معاصر را تحت چهار جهت‌گیری نظری گشتالت، روان‌کاوی، تقویت و نقش تعیین کنند. حال آنکه در روان‌شناسی اجتماعی امروز عمده‌ترین ملاک طبقه‌بندی نظریه‌ها، نه جوهر و طبیعت آدمی، بلکه موضوع مطالعاتی روان‌شناسی اجتماعی آن مکتب یا نظریه است. امروزه اغلب روان‌شناسان اجتماعی با استعانت

از مفهوم پارادایم^۱ نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی را به یکی از حوزه‌های نظری در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی منتسب داشته‌اند. برای مثال در طبقه‌بندی جرج ریتزر (۱۹۸۸) نظریه‌کنش متقابل نمادی متعلق به پارادایم اصالت تعریف و تفهیم اجتماعی^۲، نظریه‌گروه‌های مرجع، آنومی و انحراف، خودکشی و کنش اجتماعی متعلق به حوزه اصالت واقعیت اجتماعی^۳ است. و نظریه رفتار اسکینر و مبادله اجتماعی جورج هومنس متعلق به حوزه اصالت رفتار اجتماعی^۴ در هر یک از حوزه‌های سه‌گانه مذکور موضوع مطالعاتی روان‌شناسی اجتماعی متفاوت است. ارتباطات متقابل آدمی و واقعیت‌های اجتماعی، نحوه تعریف آدمی از واقعیتها، تأثیر واقعیت‌های اجتماعی بر رفتار و شخصیت آدمی و سرانجام رفتار اجتماعی موضوعات مطالعاتی روان‌شناسی اجتماعی سه حوزه مقتدر جامعه‌شناسی امروز هستند.

۳- محدودیتهای مربوط به تحلیل نظری

بحث دش و کراس درباره ماهیت نظریه حول دو محور عناصر نظریه علمی و طبیعت نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی است. آنان بدون پرداختن به تعریف نظریه علمی، طرق ساخت و ارائه و تنظیم نظریه علمی و خصوصیات نظریه علمی به تبیین عناصر تشکیل دهنده نظریه علمی پرداخته و هر نظریه علمی را متشکل از سه جزء الگوریتم تجریدی^۵، سازه‌های تئوریک^۶ و قواعد ربط یا ضوابط مطابقت^۷ دانسته‌اند. به نظر آنان نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی بر قاعده کلی الگوریتم‌ها استوار نبوده و غالباً مبتنی بر نوعی سیستم قیاسی اند که بر نحوه زبان محاوره‌ای استوار است. از این رو استنتاج‌های این نظریه‌ها اغلب گنگ، مبهم و بری از منطق محض است. آنان با نادیده انگاشتن نظم مقرر در سیستم قیاسی، مراحل علمی لازم را طی

1- Paradigm

2- Social Definition

3- Social Fact

4- Social Behavior

5- Abstract Calculus

6- Theoretical Constructs

7- Corespondence

نکرده‌اند، بلکه با تکیه بر قوه استنباط فردی^۱ به استنتاجهای غیر مبرهن و مبتنی بر تعلقات ضمیری و اثبات عقلی گرایش یافته‌اند. دش و کراس نتیجه می‌گیرند که خصوصیات نظریه علمی و عناصر آن در نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی مشهود نیستند و غالباً گرامر و ساختار منطقی و سازه نظری (لغات و مفاهیم) آنها به طور منطقی و معقولی با یکدیگر مرتبط نمی‌باشند و از این رو در پیش‌بینیهای علمی با دشواریهایی رو به رو هستند. از طرفی غالب نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی فاقد ضابطه مطابقت اند و برخی از آنها ابزار و وسائل و متد لازم را جهت سنجش و آزمون نظریه در اختیار ندارند.

گرچه ارزیابی دش و کراس از ماهیت نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی، ارزیابی بی‌منتقدانه و عالمانه است، با این همه در خصوص همه نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی صادق نیست. به زعم شولنبرگ (۱۹۹۲)^۲ برخی از نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی حوزه واقعیت اجتماعی (نظیر نظریه خودکشی دورکهایم)، حوزه اصالت رفتار (نظریه تقویت و یادگیری) و حوزه گشتالت (نظریه پویایی گروه لوین) کم و بیش با خصوصیات نظریه علمی تناسب دارند و از آنجایی که غالباً این نوع نظریه‌ها در گروه "نظریه‌های میان برد"^۳ قرار می‌گیرند، این امکان را برای محقق فراهم می‌کنند تا از آنها فرضیاتی قابل آزمون به دست دهد و مطابقت آنها را با واقعیاتی که نزد ما معلوم است و یا می‌توان آنها را معلوم ساخت، آزمود. دش و کراس گرچه با ذکر نظریه درماندگی پرخاشجویی میلر و دالارد به عنوان نمونه‌ای^۴ از یک نظریه میان برد در روان‌شناسی اجتماعی می‌گویند که این نظریه‌ها را به عنوان واسطه، میان فریضه‌های پیش‌پاافتاده‌ای که در پژوهشهای روزمره مشاهده می‌شوند و بناهای وسیع علمی‌ای که در حول و حوش یک طرح مفهومی اصلی ولی قابل دستکاری شکل می‌گیرند عمل می‌کنند، نشان دهند، با این همه در تبیین و تشریح روشن و صریح نظریه‌های میان برد، خصوصیات آنها و فوائد این نظریه‌ها به عنوان ابزاری روشنفکرانه جهت تنظیم اطلاعات و داده‌هایی که محقق بتواند به تعمیم و استنتاج منطقی مبادرت ورزد و از این طریق عمل انتقال منطقی از مجموعه‌ای از اطلاعات به مجموعه دیگر انجام دهد. قاصر و ناتوان‌اند.

1- Intuition

2- Middle Range Theories

3- Exemplar

۴- محدودیت های مربوط به نقد و بررسی نظریه های روان شناسی اجتماعی

خصلت توصیفی و تبیینی کار دش و کراس در مبحث نظریه های روان شناسی اجتماعی بر خصوصیت تحلیلی و انتقادی آن رجحان دارد. در واقع آنان بیشتر به توصیف نظریه ها پرداخته اند و کمتر به تحلیل و نقد آنها مبادرت ورزیده اند.

از میان نظریه پردازانی که دش و کراس کمتر به نقد و بررسی تحلیلی آراء آنها پرداخته اند اسکینر، فروید لوین و جرج هربرت مید است. محدودیتها و کاستهای دیدگاههای آنان هم از بعد نظری و هم از جهات روشی از سوی بسیاری از منتقدان معاصر مورد مذاقه و نقد قرار گرفته است.

به عنوان مثال، رفتارگرایی اسکینر و به ویژه روان شناسی عملی^۱ او از این جهات که توجه مفرط به نیروهای بارز محیطی در تشکل رفتار دارد و فرض جبری بودن محیط را بدون برهان علمی می پذیرد و نقش متغیرهای روانی و درونی را در تبیین واقعیت نادیده می گیرد و با توجه به رفتار خارجی^۲ در مقابل عکس العملهای عاطفی، اراده، استقلال، خردورزی و اصالت فردی را انکار می کند و با گرایش به نوعی آمپریسیسم افراطی در تقید نوعی دوگانگی جزمی^۳ گرفتار می آید، مورد انتقاد بسیاری از صاحب نظران روان شناس اجتماعی و جامعه شناس قرار گرفته است، مع الوصف از جهات فوق الذکر کمتر مورد نقد و بررسی دش و کراس واقع شده است. به همین صورت آراء لوین بویژه نظریه میدانی او، روانکاوی فروید و نظریه کنش متقابل نمادی مید بدون تحلیل، نقد و بررسی موشکافانه و انتقادی و تنها در شکل توصیف در کتاب دش و کراس مطرح می شوند.

۵- محدودیت های مربوط به تحلیل گرایشهای کنونی در روان شناسی اجتماعی

دش و کراس در این مبحث به طور محدود و مختصر به توسعه روان شناسی اجتماعی تجربی پرداخته و استنتاج کرده اند که روان شناسی اجتماعی بیش از پیش جنبه علم عملی و

1- Operant Psychology

2- External Behavior

3- Dogmatic Dualism

تجربی یافته و به مدد روشهای تجربی - آزمایشگاهی^۱ توانسته است دامنه تحقیقات خود را وسیعتر سازد و حوزه‌های بیشتری را مورد تجسس قرار دهد.

بدیهی است گرایشهای کنونی در روان‌شناسی اجتماعی فراتر از مواردی است که دش و کراس در سه دهه پیش بدانها اشاره کرده‌اند. در این جا به عمده‌ترین گرایشهای کنونی در روان‌شناسی اجتماعی، با تکیه بر نظرات برخی از روان‌شناسان اجتماعی متأخر و در قید حیات نظیر مک دونالد (۱۹۸۸)، شولنبرگ (۱۹۹۲)، بارون‌بایرن (۱۹۹۳)، رایستمن (۱۹۹۳)، لپیا (۱۹۹۴)، هیجینز (۱۹۹۶)، تایلور (۱۹۹۷)، میلزهیستون (۱۹۹۸) اشاره می‌شود:

- بسط دامنه تحقیقات و مطالعات روان‌شناسی اجتماعی به حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف زندگی اجتماعی، رفتارها، باورها و نگرش‌ها، شخصیت، درک و فهم دیگران و فرآیندهای ادراک، کشاش‌ها و ستیزهای میان فردی و میان گروهی، استنادات در مناسبات، روابط و کنش‌های متقابل، ترجیحات و تبعیضات در انتخابات، تأییدات، پذیرش‌ها و رفتارها، تفاوت‌های جنسی، قومی نژادی و فرهنگی، عشق، خشم، دوستی و نفرت، تعاون، همکاری و مشارکت، نفوذ گذاری کنترل اجتماعی، تسلیم و رضا، اطاعت و فرمانبری، تصمیم‌گیری و اعمال قدرت، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، مناسبات اقتصادی، بازار، اوقات فراغت، دوران خدمت نظام و محیطهای نظامی، ورزش، محیطهای صنعتی، محیطهای اداری، الگوهای فرهنگی - اجتماعی مصرف، محیط زیست، قانون و قانون‌گرایی، بزهکاری و کژرفتاری، مناسبات همسایگی و شهروندی، تبلیغات، ارتباطات و رسانه‌های جمعی، اختلالات روحی، دماغی و رفتاری آنروپی اجتماعی، بیگانگی و احساس بی‌هویتی، خشونت و ترور، سازگاری و همنوایی، احساسات و عواطف و نظایر آن.

کارترایت (۱۹۹۸: ۱۸-۶) در بررسی و تحلیل وضعیت کنونی روان‌شناسی اجتماعی^۲ ضمن اشاره به بسط دامنه مطالعات و تحقیقات روان‌شناسی اجتماعی به زمینه‌ها و حوزه‌های مختلف زندگی بشری عل‌الخصوص در جامعه مدرن و فراصنعتی متذکر می‌گردد که روان‌شناسی اجتماعی بیش از گذشته جنبه علم تجربی بخود گرفته و به مدد فنون، شیوه‌ها و تکنیک‌های کمی

و با استعانت از متدهای تجربی - آزمایشگاهی^۱ و سوری^۲ دامنه تحقیقات خود را بسط داده و حوزه‌های بیشتر و وسیع‌تری را مورد تجسس و تفحص علمی قرار داده است. این خود منجر به گردآوری اطلاعات و داده‌های متنابهی در زمینه‌های مختلف رفتار و روابط اجتماعی، حالات و کیفیات پدیده‌ها و واقعیت‌های اجتماعی و روانی و مناسبات میان آن‌ها گردیده است. از طرفی روان‌شناسی اجتماعی بنحو بارز و فزاینده‌ای، عل‌الخصوص در ایالات متحده امریکا، بصورت یک علم عملی در آمده است و در زمینه مناسبات انسانی حائز فواید عملی شده است.

هیجینز (۱۹۹۶: ۱۶-۳) و لیپا (۱۹۹۴: ۲۱-۱۲) همچنین به تطبیقی شدن روان‌شناسی اجتماعی بعنوان یک علم میان رشته‌ای اشاره دارند. بزعم آنها تقریباً در پنج دهه گذشته روان‌شناسان اجتماعی بویژه در آمریکا این عقیده را رواج داده‌اند که مطالعه مناسبات انسانی و روابط گروهی و پدیده‌های اجتماعی - روانی با هدف نیل به شناخت قوانین حاکم بر آنها و فورموله کردن این قانون مندبها در گرو مطالعات تجربی - تطبیقی و میان فرهنگی^۳ است. چه مطالعه پدیده‌های اجتماعی - روانی در یک تاروپود فرهنگی خاص باعتبار تنوع فرهنگ‌ها و نسبی بودن آنها ناکافی و نارساست. از این رو فرهنگ‌های مختلف بصورت تطبیقی می‌باید مورد تدقیق و مشاهده علمی قرار بگیرند.

- روان‌شناسی اجتماعی امروزه با تکیه بر مفهوم مدل نظری^۴ در پی تنظیم و طبقه‌بندی نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی برحسب موضوع مطالعاتی روان‌شناسی اجتماعی آنها و کوشش جهت تلفیق، ترکیب و تألیف دیدگاه‌های منفرد و مجزا و ساختن سنتزی نو است. در این میان تلاش برای یافتن نظریه‌های واسط و نظریه پردازان ارتباط ساز^۵ بیش از پیش بارز و مشهود است (ریترز ۱۹۸۸، شولبرگ ۱۹۹۲، لیپا ۱۹۹۴، راتیزمن ۱۹۹۳، تایلور ۱۹۹۷ و...).

- واکاوی و واری نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی از بعد قابلیت استخراج و تنظیم

1- Experimental Methods

2-Survey

3- Cross - Cultural

4- Paradigm

5- Paradigm Bridger

فرضیه، امکان سنجی^۱ آزمون فرضیه و ارزیابی نتایج علمی

- کوشش جهت تکرار آزمایش‌های علمی و تحقیقات تجربی در بسترهای مطالعاتی متعدد با هدف اخذ نتایج مشابه،^۲ کوشش جهت ارزیابی قوانین علمی و تنظیم تئوریهای جدید مبتنی بر تحقیقات تجربی. در این بیان می‌توان به برخی از نظریه‌های جدیدی که از دهه ۷۰ بتدریج در روان‌شناسی اجتماعی مدرن طرح شده است و امروزه (دهه ۹۰) در زمره مهم‌ترین نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی درآمده اشاره کرد. از آنجمله:

- نظریه پیترگولوتیزر و گوردون موسکوویتز تحت عنوان "تأثیرات هدف بر عمل و شناخت"

- نظریه کنترل روانی - فکری^۳ دانیل وگز و ریچاردونزولاف

- نظریه روان‌شناسی اجتماعی حمایت اجتماعی و لنگانک استوری

- نظریه پدید آمدن امپرسیون اندرسون^۴

- نظریه روان‌شناسی اجتماعی بیگانگی فلکس و کنیستون

- نظریه کنش معنی دار^۵ فیش باین وایزن

- نظریه‌های مبادله و موازنه^۶ هومنس، تیپو، کلی و آدافر

- نظریه‌های یادگیری^۷ باندورا، اسکینر، بایرن ولات

- نظریه‌های استمرار (ثبات) شناختی^۸ هایدو وینوکامب

- نظریه اطلاعاتی (فرمانبری) میلگرام^۹

- نظریه‌های نقش^{۱۰} مید، مرتن و گافمن

- نظریه شناخت احساسی ساچر^{۱۱}

1- Feasibility

2- Replication

3- Mental control theory

4- Impression Formation theory

5- Reasoned Action Theory

6- Exchange and Equity theories

7- Learning Theories

8- Cognitive Consistency Theories

9-Obedience Theories

10-Role Theories

11-Theory of Emotional Cognition

- نظریه اسناد^۱ نیسبت، جونز، استورمز، فینچام و بردبوری
 - نظریه ارتباط درون گروهی^۲ ویلدر

با توجه به آنچه که در نقد و بررسی اثر دش و کراس عنوان شد می توان به یک استنتاج کلی در این باب رسید و آن اینکه علیرغم بسیاری از کاستی ها و محدودیت ها در اثر این مؤلفین، کار آنان در سه دهه پیش از این کاری وزین و کوششی عظیم بوده است که هنوز هم صاحب نظران و دانش پژوهشان علوم انسانی و علوم اجتماعی و علوم رفتاری رابه کار می آید و بر معارف آنان در زمینه رفتار انسانی می افزاید.



مآخذ:

- M.Deusch and R.M. Krauss, *Theories in Social Psychology*, N.Y.Bassic Books, 1965
- J. Schellenberg , " Paradigms and Parables " in *Masters of Social Psychology*, N.Y. Oxford university prss ,1992
- E.T. Higgins , *Social Psychology* , N.Y. Guiford press , 1996
- R. Lippa, *Introducfion to Social Psychoiogy* ,N.Y.Brook / Cole Publishing Company , 1994
- M. Hewstone , A. Munstead , W. Stroebe , *Social Psychology* , MA : Blackwell Publishers Ltd ,1998